



بررسی تأثیر اصول ارتباط گفتاری بر ارتقای مهارت‌های ارتباطی والدین - نوجوانان

با تأکید بر نهج البلاغه

کاظم طباطبایی^۱؛ لیلی ابراهیمی^۲؛ مهدی درستی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۱

چکیده

در جوامع معاصر، ضعف یا ناکارآمدی مهارت‌های گفتاری والدین در تعامل با فرزندان نوجوان، از عوامل اصلی بروز بحران‌های خانوادگی و اختلال در فرآیند تربیت تلقی می‌شود. دوره نوجوانی، به‌عنوان مرحله‌ای حساس در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی، مستلزم الگوهای ارتباطی سنجیده و مبتنی بر اصول اخلاقی است که ضمن ارتقای شخصیت و تقویت حس مسئولیت‌پذیری، بستر تحقق ظرفیت‌های بالقوه این دوره را فراهم می‌سازد. نوشتار حاضر، در پی بررسی و تحلیل اصول ارتباط گفتاری در نهج البلاغه و تبیین نقش آنها در بهبود مهارت‌های ارتباطی والدین در تعامل با نوجوانان است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و بر پایه استخراج و تحلیل گزاره‌های مرتبط با حوزه سبک‌های گفتاری، با تمرکز بر نهج البلاغه، استوار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد نهج البلاغه با نگاهی ایجابی و ظرفیت‌محور، نوجوانی را دوره مستعد رشد اخلاقی و تربیتی می‌داند و بر ویژگی‌هایی مانند آمادگی برای هدایت‌پذیری، پاک‌نفس و پیشتازی در پذیرش فضایل اخلاقی تأکید می‌کند. یافته‌های تحقیق پنج اصل گفتاری را برای بهبود ارتباط والدین و نوجوانان تبیین می‌کند: نخست، اصل نرم‌خویی به‌عنوان مبنایی برای تعاملات مؤثر کلامی؛ دوم، اصل مشارکت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها برای تقویت حس مسئولیت‌پذیری؛ سوم، اصل صداقت در کلام؛ چهارم، اصل سکوت موقت در هنگام خشم و پنجم، اصل پرهیز از اظهارات ناآگاهانه. اصول گفتاری برگرفته از نهج البلاغه، چارچوبی برای ارتقای مهارت‌های ارتباطی والدین در مواجهه با فرزندان نوجوان ارائه می‌دهد که به‌کارگیری این آموزه‌ها، افزون بر پیشگیری از تعارضات خانوادگی، موجب پرورش خودآگاهی زبانی و تقویت نظام تربیتی می‌گردد.

کلیدواژگان: سبک گفتاری، مهارت‌های کلامی، تعامل والدین - نوجوانان، نهج البلاغه

۱. دانشیار، دانشگاه قرآن و حدیث قم، قم، ایران؛ tabakazem@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار، جامعه الزهرا (ع)، ebrahimi.ly¹@gmail.com

۳. طلبه سطح سه، طلبه حوزه علمیه قم؛ dorosti.mahdi¹@gmail.com



ارتباط، به عنوان فرایندی پویا، خود را در اشکال متنوعی از جمله کلامی و غیرکلامی در عرصه‌های گوناگون زندگی آشکار می‌سازد. در تعریفی جامع، ارتباط به اشتراک‌گذاری افکار، دیدگاه‌ها و احساسات با موجودات دیگر - اعم از انسانی یا غیرانسانی - اطلاق می‌شود (کافی، ۱۳۹۴: ۱۷۷). در این میان، ارتباط کلامی، به عنوان ساده‌ترین و رایج‌ترین شیوه ارتباط بین افراد، سهم قابل توجهی از تعاملات خانوادگی را به خود اختصاص می‌دهد (سالاری‌فر، ۱۴۰۰: ۶۰). هرچند در نگاه نخست، ارتباط کلامی ممکن است به مهارت‌های پیچیده‌ای نیاز نداشته باشد، اما در واقعیت، دستیابی به گفتگویی سالم و سازنده مستلزم مجموعه‌ای از مهارت‌های زبانی است (سادات، ۱۳۸۶: ۹۰). پایداری یک ارتباط رضایت‌بخش، بیش از هر چیز بر پایه احساس ارزشمندی و رضایت متقابل دو طرف استوار است؛ در غیر این صورت، تعاملات به سوی گسست، تعارض و حتی فروپاشی روابط سوق می‌یابند (مک‌گراو، ۱۳۸۹: ۳۰۱). از این‌رو، توانایی گفتگو ابزاری برای برقراری برابری در روابط انسانی به‌شمار می‌رود (Young-Bruehl and Bethelard, ۲۰۰۹: ۲۰۹). این اهمیت، به‌ویژه در روابط والدین و فرزندان، جایی که الگوهای ارتباطی اولیه شکل می‌گیرند، دوچندان می‌شود و بر لزوم بررسی سبک‌های گفتاری به عنوان ابزارهای تربیتی مؤثر تأکید می‌ورزد.

دوره نوجوانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل چرخه حیات انسانی، بهترین زمان برای آموزش و انسان‌سازی به‌شمار می‌رود (لقمانی، ۱۳۹۰: ۲۰، ۵۰). امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج/البلاغه خطاب به امام حسن (ع)، بر ضرورت پیش‌دستی در تربیت پیش از آنکه قلب نوجوان به سختی گراید و ذهنش به امور دنیوی مشغول شود، تأکید ورزیده و می‌فرماید: «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ به تربیت تو مبادرت کردم، پیش از آنکه قلبت سخت شود و فکرت به امور دیگر مشغول گردد». حضرت (ع) در همین نامه قلب نوجوان را به «زمین خالی» تشبیه نموده که هر بذری در آن افشانده شود، به سرعت آن را می‌پذیرد: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ». این تأکید، نه تنها بر زمان‌بندی تربیتی دلالت می‌کند، بلکه بر نقش تعاملات کلامی والدین در شکل‌گیری شخصیت نوجوان اشاره دارد.



چنین توصیفی بر این واقعیت اشاره می‌کند که تعاملات کلامی به عنوان ابزاری برای تقویت پیوندهای عاطفی، شکوفایی استعدادها و پرورش هویت اخلاقی عمل می‌کنند. در ادامه همین نامه، توصیف امام علی (ع) از نوجوان به عنوان «صاحب نیت پاک و نفس صاف» بر پتانسیل‌های مثبت این دوره برای رشد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارد و نگاهی ایجابی به مرحله نوجوانی ارائه می‌دهد: «أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ».

با این حال، در بستر جوامع معاصر، خانواده‌ها با چالش‌های ساختاریافته‌ای در برقراری ارتباطات کلامی مؤثر با نوجوانان مواجه‌اند. به طور طبیعی تعارض در تمام زمینه‌های زندگی اعم از شغلی، تحصیلی، خانوادگی و ازدواج رخ می‌دهد؛ اما روابط خانوادگی فشرده‌ترین موقعیت برای تعارضات بین فردی است (حسینی و حسینی، ۱۳۹۷: ۳۶). این تعارضات، که اغلب از تفاوت‌های فردی، علایق و خواسته‌های متفاوت اعضای خانواده نشأت می‌گیرند (سیف، ۱۳۸۲: ۸) می‌توانند روابط والد - فرزندی را تضعیف کرده و به شکاف‌های عاطفی و فاصله‌های روانی دامن بزنند. برای اینکه یک ارتباط با موفقیت ادامه پیدا کند، هر دو طرف این ارتباط باید از آن رضایت خاطر داشته باشند. اگر در یک ارتباط فقط یکی از طرفین سود ببرد و نیازهای طرف دیگر برآورده نشوند، آن ارتباط دوام نخواهد یافت (مک گراو، ۱۳۸۹: ۳۰۱). در این راستا، «سبک گفتاری» به مثابه چارچوبی حمایت‌گر عمل می‌کند که والدین را قادر می‌سازد تا بیان افکار و احساسات نوجوانان را تسهیل نمایند و همزمان، مهارت‌های ارتباطی کلامی و مسئولیت‌پذیری را پرورش دهند. از این‌رو، بررسی تأثیر اصول ارتباط کلامی بر مهارت‌های ارتباطی والدین - نوجوانان، نه تنها از منظر نظری، بلکه از دیدگاه عملی ضروری به نظر می‌رسد.

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که سبک گفتاری و اصول ارتباط کلامی مؤثر در آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه نهج البلاغه، چه مؤلفه‌هایی دارد و چگونه بر مهارت‌های ارتباطی والدین در تعامل با نوجوانان اثر می‌گذارد؟ این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته و بر پایه تحلیل گزاره‌های ارتباطی مستخرج از نهج البلاغه سامان یافته است. با توجه به جایگاه علمی امام علی (ع) به عنوان مرجع معرفتی، بر اساس فرمایش پیامبر



اکرم ﷺ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيْ بَابِهَا» (صدوق، بی تا: ۳۰۷؛ همو، ۱۴۰۳ق: ۵۷۴؛ حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۳۴/۲۷) نهج البلاغه به منزله منبع اصلی این بررسی انتخاب شده است.

در زمینه چالش‌های ارتباطی والدین با فرزندان نوجوان، پژوهش‌های متعددی انجام شده است که عوامل گوناگون مرتبط با این پدیده را مورد کاوش قرار داده‌اند. برای دستیابی به تصویری جامع از وضعیت پژوهشی این حوزه، جستجویی با استفاده از کلیدواژه‌هایی شامل «سبک گفتاری والدین»، «ارتباط والدین-نوجوان» و «مهارت‌های ارتباطی خانوادگی» در پایگاه‌های معتبر علمی انجام گرفت. معیارهای گزینش مطالعات بر سه محور اساسی استوار بود: (۱) اهمیت موضوعی با اهداف پژوهش، (۲) کیفیت روش‌شناسی و (۳) میزان ارتباط و همخوانی با محوریت پژوهش حاضر. پژوهش‌های مرتبط در این زمینه عمدتاً بر دو دسته هستند: گروه عمده‌ای از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، بر مؤلفه‌های روان‌شناختی ارتباط والدین با نوجوانان متمرکزند. اگرچه این رویکرد بینش‌های ارزشمندی ارائه داده، اما از بُعد کیفی غفلت کرده است. دسته دیگری از پژوهش‌ها، بر استخراج اصول تربیتی از متون دینی متمرکزند و تلاش می‌کنند راهکارهای عملی برای بهبود روابط خانوادگی از منابع اسلامی استنباط کنند. با این حال، این مطالعات نیز کمتر به ظرافت‌های سبک گفتاری و تکنیک‌های خطایی موجود در نهج البلاغه پرداخته‌اند. مطالعات به‌صورت انتقادی بررسی شده‌اند تا نوآوری پژوهش حاضر برجسته گردد. در ادامه، جدولی از مطالعات انجام گرفته ارائه می‌شود که بر اساس سال انتشار از سال ۱۳۹۴ به بعد تنظیم شده و با افزودن مطالعات جدید از جستجوهای اخیر تکمیل شده است، تا جامعیت بیشتری داشته باشد:

نویسنده/سال/مجله	موضوع	روش	یافته	نقص/خلا
سید مسعود عمرانی، حسین افسر دیر، مرجان سادات عمرانی (۱۳۹۴) پژوهشنامه معارف قرآنی	راهکارهای تربیت اجتماعی و عاطفی نوجوانان در قرآن و احادیث	توصیفی- تحلیلی	آموزش‌های مورد نیاز نوجوانان شامل آموزش‌های نظری مانند شناخت رفتارها و مهارت‌های مثبت، از جمله خوش‌اخلاقی، رعایت ادب، تعدیل غرائز،	تمرکز کلی بر راهکارهای تربیتی و فقدان مطالعه خاص در زمینه سبک‌های گفتاری خانوادگی



نویسنده/سال/مجله	موضوع	روش	یافته	نقص/خلا
			عفو و گذشت، خیرخواهی برای دیگران، نیکو سخن گفتن و نیز شناخت رفتارها و مهارت‌های منفی، از قبیل بدگمانی و سوءظن، خودخواهی، تحقیر، کوچک شمردن دیگران و شامل آموزش‌های عملی از جمله اعتماد به نفس و تقویت اراده، مبارزه با عادات ناپسند، تفکر و آگاهی، دوست‌یابی و مسئولیت‌پذیری است.	
مهديه رجبی و طاهره ماهروزاده (۱۳۹۹) مجله مطالعات تربیتی و روانشناختی خانواده	آداب گفتگو در خانواده با تأکید بر آموزه‌های دینی	توصیفی-تحلیلی	سه مولفه گفتار (گوینده، شنونده، محتوا) بررسی شد؛ تأکید بر آداب گفتاری برای ارتباط سالم خانوادگی	عدم آزمون اثربخشی دستورالعمل‌های ارائه شده در محیط‌های خانوادگی
ملیحه مردانی بلداجی (۱۴۰۲) حوزه علمیه قم	روش‌های رفتار صحیح والدین با نوجوانان از دیدگاه روایات	توصیفی - تحلیلی	بعد ایجابی: مشورت با نوجوان، گفتگو با او و راهنمایی او، ارزنده سازی و برانگیختن عزت نفس نوجوان بعد سلبی: پرهیز از سرزنش و خشونت در رفتار و پرهیز از مقایسه	عدم بررسی نقش خاص اصول گفتاری و مهارت‌های ارتباط کلامی از منظر نهج البلاغه؛ تمرکز بر مدل‌های رفتاری
حبیب الله عرفانی و عباسغلی واشیان (۱۴۰۳) مجله قرآن و طب	الگوی روایی تعامل والدین با نوجوان با	توصیفی-تحلیلی	اصول استخراج شده از روایات معصومین علیهم‌السلام و روان‌شناسی چون: شناخت روحیات نوجوان،	تمرکز بر اصول تربیتی استخراج شده از روایات با



نویسنده / سال / مجله	موضوع	روش	یافته	نقص / خلا
	نگرش روان‌شناختی		معنویت، همدلی، هنر خوب گوش دادن، محبت و رفاقت، احترام به شخصیت و توجه به نیازهای نوجوان و روش‌هایی چون: قاطعیت و انعطاف، موعظه، تشویق، تغافل، تبیین خوبی‌ها و بدی‌ها	تکیه بر مدل‌های روان‌شناختی
ناصر باهنر و رضا امینی‌هرندی (۱۴۰۳) مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده	مؤلفه‌های الگوی مطلوب ارتباطات والدین با نوجوان: مطالعه کیفی	روش پژوهش کیفی؛ جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته	مؤلفه‌های اصلی الگوی مطلوب ارتباطات والدین با نوجوان شامل «حفظ صمیمیت»، «کرامت‌بخشی» و «مسئولیت‌بخشی»	تمرکز صرف بر جنبه‌های جامعه‌شناختی؛ عدم بررسی نقش اصول گفتاری و مهارت‌های ارتباط کلامی به‌ویژه از منظر نهج‌البلاغه

مطالعات پیشین در عرصه ارتباطات خانوادگی دستاوردهای قابل توجهی داشته‌اند: تأیید نقش حیاتی ارتباطات در سلامت روابط خانوادگی، شناسایی عوامل مؤثر در بروز تعارضات والدین-نوجوان و ارائه چارچوب‌های کلی برای بهبود مهارت‌های ارتباطی. با وجود این دستاوردها، مطالعات موجود کمتر به چگونگی سخن گفتن والدین با نوجوانان پرداخته و بیشتر بر محتوای ارتباطات متمرکزند. اگرچه برخی مطالعات به آموزه‌های دینی اشاره دارند، اما فنون بیانی و خطابی موجود در نهج‌البلاغه به‌صورت منسجم و کاربردی مورد بررسی قرار نگرفته است. بیشتر پژوهش‌ها کلی هستند و کمتر به تحلیل موقعیت‌های عینی ارتباطی والدین-نوجوان می‌پردازند. در این راستا، پژوهش حاضر با تمرکز بر سبک گفتاری و اصول ارتباط کلامی والدین در ارتباط با نوجوانان بر پایه آموزه‌های نهج‌البلاغه می‌کوشد راهکارهای عملی و مؤثری برای والدین فراهم



آورد تا بتوانند با بهره‌گیری از فنون بیانی نهج البلاغه، ارتباطی سازنده و مؤثر با فرزندان نوجوان خود برقرار نمایند.

۱. اصول ارتباط گفتاری در روابط والدین - نوجوان

بسیاری از مشکلات خانوادگی، از زبان و شیوه به کارگیری آن آغاز می‌شود (حسینی و حسینی، ۱۳۹۷: ۶۳)؛ زیرا زبان دریچه‌ای است که محتویات درون را ظاهر می‌کند و احوال درونی افراد را بازتاب می‌دهد (حیدری، ۱۴۰۰: ۷۸). بسیاری از والدین، به‌ویژه در تعامل با فرزندان نوجوان خود، فاقد مهارت‌های گفتاری لازم برای برقراری ارتباط مؤثر و سازنده‌اند؛ از جمله ناتوانی در انتخاب لحن مناسب، شیوه بیان انتقاد، نحوه گوش‌دادن فعال و برخورد خردمندانه با سوءتفاهم‌ها. هرچه توانایی و مهارت افراد در ایجاد ارتباط سالم افزایش یابد، سطح صمیمیت، اعتماد و انسجام روابط میان آنها نیز عمیق‌تر می‌شود و پیوند عاطفی خانواده از آسیب‌های ناشی از سستی و گسست مصون می‌ماند (سادات، ۱۳۸۶: ۹۰). بر این اساس، مدیریت و مهارت به-کارگیری زبان، نه تنها در صیانت از حرمت متقابل و جایگاه فردی، بلکه در حفظ ثبات روانی و اجتماعی خانواده نقشی اساسی دارد. نحوه بیان، گزینش واژگان و آهنگ گفتار از جمله عناصر سبک ارتباط گفتاری‌اند که می‌توانند به‌طور معناداری بر فضای عاطفی خانواده اثرگذار باشند و در صورت نادرستی، بستر سوءتفاهم، دلخوری و تعارض را فراهم کنند (میرهاشمی و طباطبایی امین، ۱۴۰۳: ۲۹).

در آموزه‌های اسلامی نیز زبان و گفتار به عنوان یکی از ارکان سلامت روابط انسانی، مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. امام علی (ع) زبان را به درنده‌ای تشبیه می‌کند که اگر از مهار آن غفلت شود، صاحب خود را نابود می‌سازد: «اللِّسَانُ سَيْعٌ، إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرَ» (نهج البلاغه، حکمت ۶۰). تأکید آن حضرت (ع) بر ضرورت مراقبت مداوم از زبان در بیانات مختلف، نشان می‌دهد که این ابزار قدرتمند می‌تواند به سرعت در مسیر آلودگی و هلاکت قرار گیرد: «وَأَجْعَلُوا اللِّسَانَ وَاحِدًا وَ لِيَخْزُنَ الرَّجُلُ لِسَانَهُ، فَإِنَّ هَذَا اللِّسَانَ جَمُوحٌ بِصَاحِبِهِ؛ يَكُ زَبَانًا بِاشِيدٍ (و همیشه حق بگویند) انسان باید زبان خود را نگه دارد؛ زیرا این زبان، سرکش است و صاحبش را به هلاکت می‌افکند» (همان، خطبه ۱۷۶). بر پایه این مبانی، آموزه‌های اسلامی اصولی برای گفتار والدین در مواجهه با نوجوانان



ارائه کرده‌اند که رعایت آن می‌تواند زمینه گفتگوی آرام و سازنده را در خانواده فراهم آورد و از تشدید شکاف‌های ارتباطی و هیجانی پیشگیری کند. این اصول عبارتند از:

۱-۱. نرم‌خویی

نرم‌خویی در ارتباطات، به معنای فروتنی در گفتار و رفتار، همدلی با احساسات و نیازهای طرف مقابل، گذشت در برابر اشتباهات و مخالفت‌ها و ایجاد فضایی امن و صمیمی برای گفتگو و تبادل نظر است (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۶/ ۳۴۱). این اصل، نه تنها ابزاری برای دستیابی به مقاصد تربیتی و عاطفی است، بلکه به عنوان مکانیسمی روان‌شناختی عمل می‌کند که در صورت به‌کارگیری مداوم، به تقویت پیوندهای بین‌فردی و کاهش تنش‌ها منجر می‌گردد. در بستر روابط والدین و فرزندان نوجوان، گفتار نرم و آرام، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش پذیرش، نفوذ پیام و تحقق اهداف تربیتی دارد از این منظر، نرم‌گویی گاه فراتر از محتوای کلامی، به‌عنوان عنصری عمل می‌کند که پذیرش و تأثیرگذاری را تضمین می‌نماید (سروی، ۱۴۰۰: ۱۰۲) و بدین ترتیب، پلی میان نیت فرستنده و دریافت‌کننده برقرار می‌سازد.

حضرت علی علیه السلام نرم‌خویی را به عنوان یکی از صفات برجسته مؤمن توصیف می‌فرماید: «فِي صِفَةِ الْمُؤْمِنِ: لَيْنُ الْعَرِيكَ» (نهج / البلاغه، حکمت ۳۳۳). واژه «لین» در لغت به‌معنای ضد خشونت است (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۶/ ۲۱۹۸؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۵/ ۲۵۵) و تعبیر «لَيْنُ الْعَرِيكَ» توصیفی از فردی است که در گفتار و رفتار، گشاده‌رو و نرم‌خوی است و دیگران از همنشینی با او آرامش می‌یابند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۴/ ۶۸۶). این نگرش، با تأکید امام علیه السلام بر عادت‌سازی زبان به نرم‌گویی، تکمیل می‌گردد: «عَوَّدَ لِسَانَكَ لَيْنَ الْكَلَامِ وَ بَدَلَ السَّلَامِ، يَكْثُرُ مُحِبُّوكَ وَ يَقَلُّ مُبْغُضُوكَ»؛ زبان خود را به نرم‌گویی و سلام گفتن عادت ده، تا دوستانت زیاد شوند و دشمنانت کم» (لیثی الواسطی، بی‌تا: ۳۴۰).

در قرآن کریم نیز اصل نرم‌خویی به‌عنوان شاخصی نبوی در مدیریت روابط اجتماعی و تربیتی مورد تأکید است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...»؛ به سبب رحمت الهی با آنها نرم‌خو شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ (آل عمران/ ۱۵۹). این آیه نشان می‌دهد که نرم‌خویی نه امری ثانوی، بلکه شرط استمرار همراهی و جذب در روابط انسانی است. مفسران، واژه «فَظًّا» را به معنای سخنان تند و خشن، و «غَلِيظًا»



القلب» را ناظر به خشونت و قساوت قلب دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳/ ۱۴۱). بر این مبنا، نرم‌خویی شرط تحقق ارتباط مؤثر و زمینه‌ساز رشد عاطفی و اخلاقی انسان است. از منظر تربیتی، والدین مکلف‌اند صفت نرمی گفتار را در خویش نهادینه کنند تا از بروز گفتار ناپسند و واکنش‌های خشونت‌آمیز در برابر خطاهای نوجوان جلوگیری شود (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱/ ۶۸۹). نرمی گفتار، زمینه‌ساز اعتماد متقابل و پیشگیری از انزوا و تعارض است، در حالی که تندخویی و سخت‌دلی روابط را از درون فرسوده می‌سازد (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۶/ ۳۴۲).

برای تبیین عملی این اصل، می‌توان موقعیتی فرضی را ترسیم کرد: فرض کنید نوجوانی شانزده‌ساله دیرتر از موعد مقرر به منزل بازمی‌گردد. واکنش والدین، بسته به سبک گفتار، پیامدهای متفاوتی دارد. در سبک خشونت‌آمیز، پدر با لحن تند و تهدیدآمیز واکنش نشان می‌دهد و با گفتاری از نوع «کجا بودی؟ دیگر اجازه بیرون رفتن نداری! و ...» فضای گفتگو را به تقابل قدرت مبدل می‌سازد. این شیوه موجب افزایش حالت دفاعی نوجوان، قطع ارتباط عاطفی و در نهایت گرایش به گروه همسالان می‌شود (لقمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۸). در مقابل، سبک نرم‌خو با تکیه بر همدلی و احترام متقابل، تنش را به فرصت گفتگو تبدیل می‌کند. در واکنش آرام پدر، مانند اینکه «پسرم نگران شدم. چه اتفاقی افتاد که دیر آمدی؟!»، نوجوان بدون احساس تهدید، به توضیح رفتار خود می‌پردازد و الگوی تعاملی سالم شکل می‌گیرد. در نتیجه، نرم‌خویی نه تنها مانع تشدید تعارض می‌شود، بلکه به تقویت رشد شناختی و عاطفی فرزند و تحکیم روابط خانوادگی می‌انجامد.

۲-۱. مشارکت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها

امام علی (ع) در توصیف تحول دوره نوجوانی، بر کشمکش درونی میان عقل و جهل تا سن هجده سالگی تأکید نموده و می‌فرماید: «لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَالْحَمَقُ يَتَغَالَبَانِ عَلَى الرَّجُلِ إِلَى ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً، فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ عَلَيْهِ أَكْثَرُهُمَا فِيهِ؛ خِرْدٌ وَ نَادَانِي تَا هَجْدَه سَالْغِي دَر آدَمِي دَر نَبَرْدَنْد. وَ قَتِي آدَمِي بَه آن سن رسید، هر کدام بیشتر باشد، بر او غلبه می‌یابد» (کراجکی، ۱۳۶۹: ۸۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱/ ۹۶). این بیان، نشان‌دهنده دوره انتقالی است که در آن، تعادل میان قوه‌های عقلی و هیجانی در حال شکل‌گیری است؛ بنابراین، رویکردهای تربیتی در این مرحله باید بر تقویت



جنبه‌های عقلی تمرکز یابد تا غلبه حماقت را به حداقل رساند. پیامبر اکرم ﷺ هم درباره مراحل رشد فرزند و جایگاه فعال نوجوان در خانواده می‌فرماید: «لَوْلَدُ سَيِّدٍ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ؛ فرزند در هفت سال اول سرور، در هفت سال دوم فرمانبردار، و در هفت سال سوم وزیر است» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق: ۲۱/۴۷۶). این حدیث با توصیف نوجوان به‌عنوان «وزیر»، بر نقش او به‌عنوان شریک در تصمیم‌گیری و تدبیر تأکید دارد که مستلزم ایجاد فضایی گفتگو محور برای مشارکت فعال نوجوان در تصمیم‌گیری‌های خانوادگی است. وزیر بودن فرزند یعنی تمرین حل مشکل. مشارکت در مدیریت این است که والدین مسأله را با نوجوان در میان بگذارند، تا او به راه حل آنها بیاندیشد (حائری شیرازی، ۱۴۰۲: ۱۰۶).

مشارکت دادن نوجوان، مهارت‌های رهبری و مسئولیت‌پذیری او را پرورش می‌دهد. مطالعات نشان می‌دهد که والدینی که نوجوانان را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌دهند، باعث تقویت اعتماد به نفس و عزت نفس نوجوان می‌شوند. در حقیقت وقتی نوجوان می‌فهمد که والدین به حرف‌های او گوش می‌دهند، احساس امنیت و آرامش می‌کند (مک‌گراو، ۱۳۸۹: ۳۰۸). فرض کنید والدین از نوجوان می‌خواهند دیدگاه خود را در مورد کلاس‌های تابستان بیان کند و نقش وزیر در تصمیم‌گیری را به او می‌دهند. برپایه این اصل، والدین به نوجوان فرصت می‌دهند که مزایا و معایب هر گزینه را بررسی کند و با گفتگوی باز به نتیجه برسند.

۳-۱. سکوت موقت هنگام خشم

از منظر اخلاقی، عقل انسان در حالت خشم، تحت الشعاع قرار می‌گیرد و از مسیر تعادل خارج می‌شود (سروری، ۱۴۰۰: ۹۲). در این وضعیت، غلبه هیجان بر عقل، زمینه بروز گفتار و رفتارهای ناسنجیده را فراهم می‌کند. حضرت علی علیه السلام با شناخت عمیق از این سازوکار هیجانی، بر برتری سکوت هدفمند و اندیشیده بر گفتار نابهنگام تأکید نموده و می‌فرماید: «وَتَلَاْفِيكَ مَا فَرَطَ مِنْ صَمْتِكَ أَيْسَرُ مِنْ إِدْرَاكِكَ مَا فَاتَ مِنْ مَنَطِقِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛ یعنی جبران پیامدهای سکوت به مراتب آسان‌تر از جبران زیان‌های سخن نابجاست. یکی از دلایل عصبانیت، زمانی است که فرد تحقیر شده باشد. در چنین مواقعی، وقتی شخص نتواند از حق خویش دفاع کند، عصبانی شده و خشم، تمام وجودش را فرا می‌گیرد. در این حالت، گفتار و تصمیم‌گیری‌های او بر مبنای عقل و



منطق نخواهد بود و حتی ممکن است به واسطه یک مسأله کوچک، مرتکب اشتباهی جبران‌ناپذیر شود (سعیدی مبارکه، ۱۳۹۵: ۱۰۳). از این‌رو، آموزه‌های اسلامی توصیه می‌کنند که هنگام غضب، فرد باید از گفتگو و جدل خودداری کند، زیرا در این لحظات توان شناختی برای استدلال و گفتگوی منطقی به‌طور موقت تضعیف می‌شود و نمی‌تواند به شکل مؤثری به تبادل نظر بپردازد (عباسی ولدی، ۱۳۹۷: ۵۱). حضرت علی علیه السلام توصیه می‌فرماید: «اِحْتَرِسُوا مِنْ سَوْرَةِ الْغَضَبِ وَ اَعِدُّوا لَهُ عِدَّةً تُجَاهِدُونَ بِهَا فِي الْكُظْمِ وَ الْحِلْمِ؛ خود را از تندی غضب نگه دارید و ابزار مبارزه با آن، یعنی فرو خوردن خشم و بردباری را آماده کنید» (لیثی الواسطی، ۱۳۷۶: ۸۷). اصل فرونشانی خشم و عدم تکلم در حالت خشم، در سنت نبوی همواره مورد تأکید بوده است؛ چنانکه ابن عباس روایت می‌کند: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰/۲۷۲).

از منظر تربیتی، اصل سکوت موقت، ضرورت ارتباطی در روابط والدین و نوجوانان است. فرض کنید والد متوجه قصور فرزند خود در انجام تکالیف درسی شده باشد، در رویکرد نخست، واکنش خشم‌آلود با گفتار تند، فضایی دفاعی و تنش‌زا ایجاد می‌کند. در مقابل، رویکرد دوم مبتنی بر سکوت موقتی و بازداری هیجان، فرصت بازگرداندن تعادل هیجانی را به والد داده و با پرسشی آرام مانند: «مایلی درباره نحوه انجام تکلیف صحبت کنیم؟ و ...» مسیر گفتگو را به روی نوجوان می‌گشاید. در این شرایط، گفتگو به جای تقابل، به تعامل منجر می‌شود. امام علی علیه السلام در این راستا، راهبردی ظریف برای تعامل با نوجوانان پیشنهاد می‌کند: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِثَ فَاتْرَكَ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ لئَلَّا يَحْمِلَهُ الْإِخْرَاجُ عَلَى الْمُكَابَرَةِ؛ هرگاه جوان را توبیخ کردی، برخی خطاهای او را نادیده بگیر، تا توبیخ تو، او را به مقابله وادار نسازد» (ابن ابی الحدید، بی‌تا: ۲۰/۳۳۳) این اصل بستر ساز اصلاح رفتار گفتاری در روابط خانوادگی است.

۴-۱. درست و راست سخن گفتن

به تعبیر صاحب‌نظران، راستگویی به عنوان یکی از ویژگی‌های مهم ارتباط سالم محسوب می‌شود (سادات، ۱۳۸۶: ۹۳). حضرت علی علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه با تعبیر «صِدْقٌ لَا يَشُوبُهُ كَذِبٌ» صداقت را گفتاری فارغ از هرگونه دروغ و آلودگی معرفی می‌کند. قرآن کریم نیز مؤمنان



را به صداقت و استحکام در گفتار فرا می‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» (احزاب/ ۷۰) که نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده‌ای است که دین اسلام برای کنترل و مدیریت گفتار قائل است. تحلیل ریشه‌شناختی واژه «سدید» نشان می‌دهد که این واژه از ماده «سَدَّ» به معنای بستن، مانع شدن و پر کردن شکاف گرفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۳/ ۶۶). از این منظر، «قول سدید» به گفتاری اطلاق می‌شود که از هرگونه سستی، لغزش و شکاف در معنا و نیت خالی باشد؛ گفتاری که هم از حیث محتوا استوار و هم از منظر نیت خالصانه باشد (ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۱/ ۱۱). تعبیر «سداد» به معنای درستی و قصد نیک در گفتار و کردار (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۴۸۵) و «تَسَدَّدَ» به معنای حرکت به‌سوی درستی (ابن‌سیده، ۱۴۲۱ق: ۸/ ۴۰۴)، ابعاد مختلف این واژه را در عرصه‌های گوناگون رفتاری و اخلاقی آشکار می‌سازد. علامه طباطبایی «قول سدید» را گفتاری تعریف می‌کند که سه ویژگی اساسی دارد: ۱) انطباق با واقع: گفتار باید با حقیقت و واقعیت همخوانی داشته باشد و از دروغ، تحریف یا گمانه‌زنی‌های بی‌اساس مبرا باشد. این ویژگی، قول سدید را به معیاری برای صداقت و امانت در گفتار تبدیل می‌کند. ۲) عاری از لغو: گفتار سدید باید هدفمند و عاری از سخنان بی‌فایده یا بی‌محتوا باشد. این ویژگی بر ضرورت پرهیز از سخنان بیهوده و غیرضروری تأکید دارد. ۳) مشروعیت فایده: حتی اگر گفتار فایده‌ای داشته باشد، این فایده نباید به امور غیرمشروع، مانند سخن‌چینی، تهمت یا ایجاد فساد منجر شود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/ ۳۴۷). به تعبیر علامه، قول سدید گفتاری است که مؤمن با اطمینان به درستی آن سخن می‌گوید و پیش از بیان، آن را از منظر انطباق با حقیقت، عدم لغو بودن و مشروعیت فایده مورد آزمون قرار می‌دهد. این فرآیند، نیازمند بصیرت، تأمل و پایبندی به تقوای الهی است که در صدر آیه به آن اشاره شده است.

دستیابی به «قول سدید»، مستلزم استحکام در نیت، بصیرت و توجه عمیق به پیامدهای اجتماعی و فردی سخن است. در این راستا، تفکر، تأمل، و بررسی دقیق واقعیت‌ها، از جمله خصایص ضروری است که یک فرد مؤمن باید به آنها التزام داشته باشد (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۱۰/ ۴۰۱). بنابراین «قول سدید»، به معنای گفتاری محکم و بدون نقص است (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۲۴/ ۲۱۳) که در محتوای خود صداقت، حقیقت و عدالت را در بر دارد و در فضای



صواب و درستی حرکت می‌کند، به‌گونه‌ای که هیچ جایگاهی برای باطل، خطا و بازیچه در آن نیست (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۳۵۸/۱۸). در نتیجه گفتار سدید، محصول تأمل زبانی است؛ سخنی که پیش از بیان، از منظر صحت، هدفمندی و اثر اخلاقی سنجیده می‌شود.

در روابط والدین و نوجوانان، پای‌بندی به راست‌گویی، پایه اعتماد متقابل و احساس امنیت روانی است؛ برای مثال، هنگامی که نوجوان درباره مسائل مالی خانواده پرسشی مطرح می‌کند، پاسخ صادقانه و درست مانند «در حال حاضر نمی‌دانم، اما بررسی می‌کنم»، به جای فریب یا پنهان‌کاری، به تقویت شفافیت و مشارکت تربیتی منجر می‌شود. از این‌رو، آیه «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا» نه صرفاً توصیه‌ای اخلاقی، بلکه بنیانی معرفتی برای سامان‌دهی اندیشه، نیت و رفتار گفتاری انسان به شمار می‌رود (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۵۶۳).

۵-۱. پرهیز از کاربرد ناآگاهانه کلام

یکی از مهم‌ترین اصول اخلاق گفتاری در آموزه‌های اسلامی، خودداری از سخن گفتن بدون علم است. امام علی (ع) در مورد اصل پرهیز از کلام ناآگاهانه می‌فرماید: «وَدَعَ الْقَوْلَ فِيمَا لَا تَعْرِفُ؛ سخن گفتن را در آنچه نمی‌دانی رها کن» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). ایشان در ادامه همان نامه هشدار می‌دهد: «وَلَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ وَإِنْ قُلْتَ مَا تَعْلَمُ وَلَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ؛ چیزی را که نمی‌دانی مگو، هر چند اندک باشد آنچه می‌دانی. چیزی را مگو که دوست نداری به تو گفته شود». این توصیه دو بُعد مهم را بیان می‌کند: از یکسو، تأکید بر خودداری از سخنان فاقد علم و آگاهی و از سوی دیگر، رعایت قاعده متقابل اخلاقی در سخن گفتن؛ یعنی پرهیز از گفتاری که گوینده از شنیدن همان سخن درباره خود ناخشنود است. قرآن نیز در تأیید این اصل می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن» (اسراء/۳۶).

کاربست تربیتی این اصل در روابط خانوادگی، به‌ویژه در برخورد با نوجوانان، اهمیتی دو چندان دارد. فرض کنید نوجوان پرسشی تخصصی مطرح کند که والدین در آن زمینه دانش کافی نداشته باشند، در چنین موقعیتی، گفتار ناآگاهانه نه تنها از ابهام مسئله نمی‌کاهد، بلکه موجب بی‌اعتمادی نوجوان نیز می‌شود. از این‌رو والدین باید با صداقت بگویند: «در این‌باره اطلاعات دقیقی ندارم؛ بیایید با هم بررسی کنیم و...». این پاسخ، نه نشانه ناتوانی، بلکه تبلور



خرد ارتباطی است که به رشد علمی، گفتگومحور بودن و تعمیق اعتماد متقابل منجر می‌شود. بنابراین، پرهیز از سخن ناآگاهانه، عامل تداوم سلامت ارتباط کلامی در خانواده است.

نتیجه‌گیری

نوجوانی به‌عنوان دوره‌ای تحول‌آفرین، نیازمند سبک‌های ارتباطی مناسب و کارآمد است. در عصر حاضر که چالش‌های ارتباطی در خانواده‌ها افزایش یافته است، بررسی سبک‌های گفتاری والدین در تعامل با نوجوانان اهمیت ویژه‌ای دارد. کاربست سبک‌های گفتاری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، علاوه بر ارتقای کیفیت گفتگوهای والد-فرزندی، موجب تقویت مهارت‌های ارتباطی و در نهایت، پیشگیری از تعارض‌های رفتاری می‌شود. در آموزه‌های اسلامی، از جمله در نهج/البلاغه تأکید شده که نوع سخن گفتن و کنترل و مدیریت گفتار می‌تواند به طور مؤثری از بروز تعارضات جلوگیری کند و فضایی گفتگومحور، حمایت‌گر و پایدار ایجاد نماید. به‌کارگیری این اصول گفتاری در روابط خانوادگی، نه تنها سلامت روابط والدین-نوجوانان را تضمین می‌کند، بلکه زمینه‌ساز تربیت نسلی مسئولیت‌پذیر می‌شود:

اصل ۱: نرم‌خویی: سبک ارتباطی خشن، رفتارهای پرخطر در نوجوانان را افزایش می‌دهد، در حالی که رویکرد نرم‌خو و زبان ملایم، به تقویت اعتماد به نفس، عزت نفس و رشد آنان کمک می‌کند.

اصل ۲: مشارکت دادن نوجوان در تصمیم‌گیری‌ها: الگوی گفتگوی مشارکتی، والد را از موضع آمرانه خارج ساخته و احساس مسئولیت‌پذیری نوجوان را تقویت می‌کند.

اصل ۳: درست و راست سخن گفتن: صداقت و صحت در بیان، از ابهام، تردید و سوءبرداشت می‌کاهد.

اصل ۴: سکوت در هنگام خشم: سکوت هدفمند در لحظات هیجان، مکانیسمی شناختی-اخلاقی برای جلوگیری از گفتار مخرب است. این رفتار، فضای امن گفتگو را حفظ کرده و امکان بازنگری و سامان‌دهی پاسخ عاقلانه را فراهم می‌آورد.

اصل ۵: پرهیز از کاربرد ناآگاهانه کلام: گفتگو بدون علم، اعتماد مخاطب را تضعیف می‌کند.

فهرست منابع



۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، بی‌جا: مؤسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزیع، بی‌تا.
۴. ابن درید، محمد بن حسن، جمهرة اللغة، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۸۷م.
۵. ابن سیده، علی بن اسماعیل، المحکم و المحيط الأعظم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
۷. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
۸. حائری شیرازی، محمد صادق، تربیت دینی کودک، قم: دفتر نشر معارف، ۱۴۰۲.
۹. حسینی، سیده زهرا؛ حسینی، سیده رقیه، تعارضات زوجین و راهکارهای حل آن با رویکرد قرآن و سنت، تهران: رزا، ۱۳۹۷.
۱۰. حرّعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة فی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم‌السلام) لإحياء التراث بقم المشرفة، ۱۴۱۴ق.
۱۱. حیدری، زهرالسادات، هیچ کس کامل نیست: نقش مشاوره در تحکیم خانواده از منظر اسلام، یزد: اندیشه کویر، ۱۴۰۰.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۱۳. سادات، محمدعلی، راهنمای همسران جوان، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۴. سالاری‌فر، محمدرضا، مهارت‌های زناشویی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰.
۱۵. سروی، فاطمه، رشد و تربیت در پرتو اخلاق، تهران: ندای تاریخ، ۱۴۰۰.
۱۶. سعیدی مبارکه، فاطمه، زوج‌های موفق و روانشناسی تربیت فرزندان از دیدگاه آیات و روایات، قم: اندیشه مولانا، ۱۳۹۵.
۱۷. سیف، سوسن، شیوه‌های جدید مشاوره در خانواده چگونگی ایجاد ارتباط مؤثر و حل تعارض، تهران: پژوهشکده خانواده، ۱۳۸۲.
۱۸. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم: فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۶ق.



۱۹. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، التوحید، قم: النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، بی تا.
۲۰. -----، الخصال، قم: النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ۱۴۰۳ق.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰.
۲۲. عباسی ولدی، محسن، قایق مهربانی؛ بایدهای زندگی مشترک (۱)، قم: آیین فطرت، ۱۳۹۷.
۲۳. فضل الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ق.
۲۴. کافی، مجید، نظریه پردازی گامی به سوی تولید علم دینی نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
۲۵. کراچی، ابوالفتح، کنز القوائد، قم: مکتبه المصطفوی، ۱۳۶۹.
۲۶. لقمانی، احمد، از همدلی تا همزیانی با نوجوان، قم: انتشارات بهشت بینش، ۱۳۹۰.
۲۷. لیثی الواسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم: دار الحدیث، بی تا.
۲۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۹. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران: دارالمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶.
۳۱. -----، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
۳۲. مک گراو، فیلیپ (دکتر فیل)؛ روان شناسی خانواده موفق، ترجمه محمد مهدی شریعت باقری، تهران: دائره، ۱۳۸۹.
۳۳. میرهاشمی، محدثه سادات؛ طباطبایی امین، طاهره سادات؛ مهارت های گفتاری و رفتاری همسران در اسلام و روان شناسی، قم: دانشگاه علوم و معارف قرآن، ۱۴۰۳.

منبع انگلیسی

۳۴. Young-Bruehl, E., & Bethelard, F., *Cherishment: A psychology of the heart*, New York, NY: The Free Press, ۲۰۰۰.